

بررسی گوشه‌ای از جایگاه علمی و مقام روایی بانو زینب کبری (س)

مهدی مؤمنی*

چکیده: بانو زینب کبری (س) را باید در فصاحت، بلاغت، زهد، عقل، دانش، صبر و... پس از مادرش زهرا (س) سرآمد زنان دانست. اشتها او به نقش‌آفرینی در کربلا و در کاروان اسراء و تأثیر حضورش در مغلوبه کردن آثار جنگ طف، موجب غفلت از دیگر ابعاد شخصیتی وی شده و صبر و شکیبایی بی‌نظیری که وی در ماجرای کربلا از خود به ثبت و ظهور رسانید، جمیع صفات حمیده وی را تحت الشعاع قرار داده است. این مقاله قصد دارد با نظر به جایگاه علمی و مقام روایی این بانو، به بررسی این بعد پرداخته، بخشی از احادیث مروی از این بانوی محدّثه را معرفی کند.

کلیدواژه: زینب کبری (س) / محدّثات / عقیده / شیعه / علی بن الحسین علیه السلام.

*. دبیر انجمن پژوهشی - مذهبی کادح، مهندس عمران و دارای تحصیلات حوزوی.

یا هالالاً لم استتم کمالاً

هنگامی که به صفحات تاریخ می‌نگریم، در می‌یابیم که حضور مردان در تاریخ، بسیار بیشتر از زنان است. بسیاری بانوان بزرگ، ادیب، فاضل و خردمند که در لابه‌لای صفحات تاریخ، به دست فراموشی سپرده شده‌اند؛ به طوری که تاریخ یا از احوال و آثار و زندگی آنان بی‌اطلاع است یا به طور مقطعی و در شرایط خاص، مورد توجه قرار گرفته و سپس فراموش شده‌اند. شاید بتوان گفت که در بسیاری موارد، برخی حقایق در مورد آنها به تحریف کشیده شده است.

این بی‌مهری به بانوان فاضل در عرصه تاریخ اسلام نیز به چشم می‌خورد. با تورقی در میان صفحات کتب تاریخی مربوط به آن عصر، می‌بینیم اکثر مورّخین مسلمان به تفصیل، به بررسی و ثبت احوال همسران پیامبر، اهتمام کرده و به شرح و بسط زندگی آنان پرداخته‌اند، اما متأسفانه از شرح حال برخی از زنان صحابه و دختران و زنان خاندان رسالت، اخبار زیاد و موثقی در دست نیست. قطعاً دلایل زیادی در این خصوص وجود دارد؛ اما از میان آنها به دو نکته می‌توان اشاره کرد:

۱. از بین رفتن کتب و منابع تاریخی حاوی آثار و شرح حال این بزرگان.
۲. وجود حیا و عفت که پیوسته، مانع از حضور در میان مردان، جز به ضرورت، شده است.

در هر حال، این دلایل و عوامل دیگر ما را از دستیابی به تاریخ این بانوان بزرگ محروم کرده است.

زینب(س)، دختر ارشد امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام یکی از بانوانی است که اگر چه تاریخ درخشیدن بی‌نظیر او را پس از کشته شدن برادرش در کربلا، نتوانسته مخدوش یا گم کند، اما از شرح حال این بانوی فاضله فرزانه پیش از این واقعه و پس از آن، اخبار موثقی و زیادی در دست نیست. مورّخان حتی در مورد



محل دفن وی نیز همچون مادر بزرگوارش، اختلاف نظر دارند.^۱

تنها در همین برهه کوتاه می‌توان فضل و کمال وی را بررسی کرد؛ یعنی از آغازین لحظه قیام او بر تل زینبیه تا بازگشت به موطن اصلی اش شهر مدینه. در همین زمان است که بلاغت، فصاحت، علم، فضل، زهد و شجاعت بانو متجلی شد. خطبه‌های کوفه و شام وی تنها نشان‌دهنده نقش او در احیای دین جدش و تداوم نهضت برادرش نبود، بلکه در تبلور این خطبه‌ها فصاحت و بلاغت و علم او جاری شد.

او همچون مادرش زهرا علیها السلام و پدرش علی علیه السلام با تکیه بر قرآن و علوم نبوی، برای تداوم نهضت احیاسازی دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در معیت امام علی بن الحسین علیهما السلام به استدلال با حاکمان وقت و افشاسازی ماهیت ضددینی حکومت اموی پرداخت و پس از آنکه امور را به برادرزاده خود علی بن الحسین علیهما السلام سپرد، همچون گذشته، در تاریخ ناپدید شد.

بی‌تردید، تاثیر شگرف حضور زینب (س) در کربلا و در کاروان اسرا و نقش وی در مغلوبه کردن آثار جنگ طف، منظور نظر بسیاری به طور خاص و عام بوده و بررسی شده است. این مقاله قصد دارد تنها به گوشه‌ای از جایگاه علمی و مقام روایی حضرت زینب کبری (س) در شش بخش از منابع معتبر و معاصر شیعی و اهل سنت پردازد:

۱. جایگاه علمی زینب کبری (س)؛
۲. بانوی راوی؛
۳. زینب کبری (س) و اخبار عاشورا؛
۴. کسانی که زینب (س) از آنها روایت کرده است؛
۵. آنان که از او روایت کرده‌اند؛

۱. نویسنده اعیان الشیعه مقبره حضرت زینب را در مدینه می‌داند. (۹: ج ۷، ص ۱۴۰) ابن عساکر، عیبدلی و دیگران مدفن او را در مصر دانسته‌اند. (۱۳: ج ۸، ص ۶۰۲-۶۰۳) و برخی از علمای شیعه شام را مدفن وی می‌دانند. (۱۱: ص ۲۱۵)

۶. برخی از احادیث مروی از زینب(س).

امید است این نوشته گامی، هر چند ناتوان، در جهت شناسایی عقیده بنی‌هاشم(س) باشد.

جایگاه علمی زینب کبری(س)

زینب، زینت پدر، دختر امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (عبد مناف) بن عبدالمطلب بن هاشم قرشی، مادرش فاطمه زهرا علیها السلام، دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در زمان حیات پیامبر به دنیا آمد. کنیه‌هایش ام کلثوم، ام عبدالله و ام الحسن است. برایش کنیه‌های مخصوصی همچون ام المصائب، ام الرزایا، ام النوائب ذکر کرده‌اند.^۱ هاشمیان در تاریخ او را «عقیله»^۲ خود معرفی می‌کنند و این لقب منحصرأً به زینب کبری(س) تعلق دارد(۸: ص ۹۱) لقب دیگری را نیز به وی اختصاص داده‌اند که بازگو کننده علم و فضل فراوان اوست: «لبیبه»^۳.

نام مبارکش به وسیله جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه شد و پیامبر فرمود: وصیت می‌کنم حاضران و غائبان را که حرمت این دختر را پاس دارید؛ همانا وی به خدیجه کبری مانند است.^۴

در خانه وحی، در دامن فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام دوران عمر را سپری کرد تا آنکه پدر، بنا بر صلاح امت، در کوفه رحل اقامت گزید. آن گاه بود که کوفیان متوجه مروریدی در صدف بیت علی علیه السلام گشتند. زندهای کوفه توسط شوهرانشان، از امیرالمؤمنین علیه السلام خواهش کردند اجازه فرماید تا آنان به حضور زینب(س) شرفیاب

۱. محدثات شیعه، ص ۱۹۳.

۲. عقیله: جمع عقائل من النساء: الکریمۃ المخدرة: بانوی گرامی و مخدرة. (المنجد)

۳. اللیبب، جمع الباء، م لیببیه، جمع لیبیات و لبائب، العاقل: خردمند. (المنجد)

۴. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۸.

شوند و از علم او بهره‌مند گردند. امیرالمؤمنین علیه السلام اذن فرمود و زنها می‌آمدند و تفسیر قرآن مجید را از زینب (س) فرا می‌گرفتند. (۱۲: ص ۸۲)

این اولین تجلی دانش زینب کبری (س) در جامعه آن روز مسلمانان بود. اجازه امیرالمؤمنین علیه السلام به دانش آموز مکتبش برای تفسیر قرآن به زنان کوفه، خود بالاترین سند برای بیان جایگاه والای علم این بانوست.

پس از آن، بهترین سند در بیان جایگاه رفیع علمی وی، کلام معصوم معاصر او، امام علی بن الحسین علیه السلام است. امام سجاد علیه السلام پس از خطبه عمه بزرگوارش در شهر کوفه می‌فرماید: «... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ وَ فَهِيَّةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ: تو بحمد الله، عالم آموزگار نادیده و خردمند نیاموخته هستی! (۱۴: ج ۲، ص ۳۰۱)

با تکیه بر این کلام معصوم، بی‌تردید، می‌توان گفت زینب کبری (س) متعلم به علوم اکتسابی نبوده، بلکه بدون واسطه، علم را دریافت کرده است و این عجیب نیست؛ چراکه این خاندان خزان علم و معادن حکمت‌اند. نک: زیارت جامعه کبیره) شاید به دلیل همین ویژگی است که برخی معتقدند عقیده بنی‌هاشم دارای علم منایا و بلایا بوده است.^۱

نکته دیگر در بیان مقام علمی زینب (س) این است که به نظر می‌رسد، کلام او با یزید در مورد تعداد کشته‌شدگان سپاه کوفه تکیه بر مقام علمی وی دارد؛ آنجا که یزید گفت: «حسین با یارانش به کوفه آمد و ما به آنها تاختیم. آنها در حالی که به یکدیگر پناهنده شده بودند ما همه را کشتیم.» زینب (س) بی‌درنگ فرمود: «ای دروغگو! شمشیر برادرم خانه‌ای را در کوفه نگذاشت، مگر اینکه اهل آن گریان‌اند.»^۲

با عنایت به اینکه غلو و زیاده‌گویی در کلام خاندان نبوت جایی ندارد و دقت به

۱. زینب کبری، ص ۵۸.

۲. خاتون دو سرا، ص ۲۴۰.

این موضوع که زینب (س) تمامی خانه‌های کوفه را در سخن خویش، بدون استثنا، عزادار شمشیر امام حسین بن علی علیه السلام دانسته و تذکر این نکته که در آخرین وداع سیدالشهدا علیه السلام با اهل بیت، آنان از جانب او مأمور به استقرار در خیام شدند و پس از کشته شدنش از خیمه بیرون آمدند، می‌توان گفت این اطلاع دقیق و آگاهی از حجم عظیم کشته شدگان سپاه کوفه، تکیه بر علم غیر طبیعی آن مخدّره دارد.

اما نکته آخر اینکه در کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمة، در باب توقیعات، مرحوم شیخ صدوق (اعلی الله مقامه) حدیثی از حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام و عمّه بزرگوار امام عصر (عج) نقل می‌کند و ضمن آن یاد آور می‌شود: «حسین علیه السلام و صایای خود را در ظاهر به خواهرش زینب (س) سپرد؛ برای پنهان کردن امامت پسرش علی بن الحسین علیه السلام (و در امان ماندن جان او).» (۴: ج ۲، ص ۱۷۸) این را نیز دلیل دیگری برای تبیین جایگاه رفیع علم عقیده بنی‌هاشم می‌توان شمرد؛ چرا که از سوی امام حسین بن علی علیه السلام محرم سر ولایت و پاسبان آن گشت.^۱

از علم و فضل این بانوی ارجمند هر چه گفته شود، قطره‌ای از دریاست. آن چنان‌که سید محسن امین، در اعیان‌الشیعه، در توصیف او می‌گوید: «جلالت شأن و مقامش، بلندی مقام و منزلتش، قوه استدلال و برتری عقلش و ثبات و پایداریش را از خطبه‌هایش در کوفه، می‌توان ادراک کرد. فصاحت زبان و بلاغت کلامش در خطبه‌های کوفه و شام و... چنان است که گویا از زبان پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام سخن می‌گوید.» (۹: ج ۷، ص ۱۳۷)

بانوی راوی

گنجینه علوم و معارف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش مجموعه‌ای از احادیث و روایاتی است که از طریق راویان و محدّثین موثّق و متعدّد، به دست ما رسیده

۱. یاد آور می‌شویم که امام علی بن الحسین علیه السلام بی‌شک از طریق علم لدنی، تمامی وصایا و اسرار ولایت و امامت را از پدر در لحظه شهادت ایشان، به ارث برده و مقام امامت به ایشان واگذار گردیده است.

است. اینکه کدام حدیث از احادیث معتبر است یا اینکه آیا راویان آن موثق بوده‌اند یا نه، علوم گسترده‌ای را همچون علم حدیث و علم رجال، به خود اختصاص داده که بحث درباره آنها در این مجال کوتاه نمی‌گنجد. اما آنچه ذکر آن خالی از لطف نیست، نقش مهم و ارزنده‌ای است که هر یک از محدثین و راویان حدیث، در انتشار و انتقال علوم و اسرار معارف محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و استمرار دین مبین اسلام و مذهب ناب تشیع جعفری ایفا کرده‌اند؛ به طوری که بدون تردید، می‌توان گفت اکثر احکام شرعیة اسلام و علوم و معارف شیعه مدیون آنها و احادیث نقل شده از آنهاست. سلسله روایانی که از پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دختر گرامی عَلَيْهَا و وصی بزرگوارش امیرالمؤمنین عَلَيْهِ و فرزندان معصومشان و همچنین بعضی از صحابه، همچون سلمان، مقداد، ابوذر و برخی از همسران پیغمبر، مانند ام سلمه با واسطه‌های اندک یا بدون واسطه، حدیث یا احادیثی را روایت کرده‌اند، به لحاظ صحّت روایت و مستند بودن احادیثشان، بسیار مورد توجه علما، فقها و دانشمندان قرار گرفته‌اند. زینب کبری (س) یکی از راویان مورد وثوق شیعه است که بدون واسطه، به بیت زهراء عَلَيْهَا و علی عَلَيْهِ متصل بوده است. «محدثه» یکی از القابی است که برای بانو ذکر شده و این خود به تنهایی، بیانگر نقش وی در نقل احادیث و روایات است. اگر چه از روایات منقول از وی اطلاع زیادی در دست نیست، اما همان روایات معدود باقی مانده از آن حضرت نشان‌دهنده مقام روایی وی است. اکنون به گوشه‌ای از گواهی مورخان، علما و محدثان به مقام روایی زینب (س) اشاره می‌کنیم.

۱. ابن سعد در الطبقات الکبری، زینب (س) را جزء راویانی ذکر می‌کند که از همسران پیامبر و دیگران (و آنها از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) حدیث نقل کرده‌اند. (۶: ج ۸، ص ۴۶۱)
۲. علامه جعفر نقدی به نقل از عمادالمحدثین آورده که او (زینب کبری) از

مادرش روایت می‌کرده است.^۱ مرحوم طبرسی در اعلام الوری بر این قول تأکید می‌کند و می‌گوید: او از مادرش فاطمه ع حدیث نقل می‌کرده است.^۲
 ۳. علامه مامقانی او را از محدثات شمرد و درباره آن علیا مخدّره نوشته است: صدوق او را در مشیخه نام برده ... و ابن اثیر در اسدالغابه او را از صحابه دانسته است ... و من می‌گویم:

زَيْنَبُ، وَ مَا زَيْنَبُ وَ مَا دَرِيكَ مَا زَيْنَبُ! هِيَ عَقِيلَةُ بَنِي هَاشِمٍ وَ قَدْ حَازَتْ مِنْ
 الصِّفَاتِ الْحَمِيدَةِ مَا لَمْ يَحْزَاهَا بَعْدَ أُمَّهَا حَقٌّ حَقٌّ أَنْ يُقَالَ هِيَ الصَّدِيقَةُ
 الصَّغْرَى.

زینب! زینب کیست؟! تو چه می‌دانی که زینب کیست؟ او عقیلۀ بنی‌هاشم است که در صفات ستوده، برترین است و کسی جز مادرش بر او برتری ندارد؛ تا جایی که اگر او را صدیقۀ صغری بخوانیم، حق گفته‌ایم.^۳

۴. ابوالفرج اصفهانی، صاحب مقاتل الطالبیین، در مورد آن حضرت از ابن عباس این گونه می‌نویسد:

«حَدَّثَنَا عَقِيلَتُنَا: عَقِيلَةُ مَا بَرَايِمَانَ رَوَايَتُ كَرَد.» (۸: ص ۹۱)

۵. ابن اثیر نام زینب(س) را در زمرة اصحاب رسول الله ص ذکر کرده و درباره او می‌گوید: «كَانَتْ زَيْنَبُ امْرَأَةً عَاقِلَةً لَيِّبَةً جَزَلَةً... وَ كَلَامُهَا لِيَزِيدُ... مشهور مذکور في التاريخ، و هو يدل على عقل و قوّة جنان: زینب زنی عاقل، خردمند و با منطق قوی بود... و سخن او با یزید، مشهور و مذکور در تاریخ است و این سخنان دلیل بر عقل و قوت قلب اوست. (۵: ج ۵، ص ۳۰۰)

با استناد به احادیث نقل شده از عقیلۀ بنی‌هاشم و سخن محدثین و مورّخین بزرگ شیعه و سنّی در مقام روایی آن حضرت، می‌توان گفت این بانوی بزرگ، جزء

۱. زینب کبری، علامه نقدی، ص ۵۷.

۲. اعلام الوری، ص ۲۹۴.

۳. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

محدثات^۱ بی واسطه از بیت وحی بوده است.

زینب کبری (س) و اخبار عاشورا

پس از حادثه عاشورا، امویان تلاشهای فراوانی در بی‌اهمیت جلوه دادن، مخفی کردن و دفن این واقعه کردند؛ اما علی رغم این تلاشها، شرح این واقعه از طریق افراد گوناگونی، سینه به سینه، نقل شد. افرادی مانند: عبدالله حرّ جعفی، دوتن از اصحاب سیدالشهدا علیه السلام که تا ظهر عاشورا در معیت آن حضرت بوده و ظهر روز دهم آن حضرت را ترک کردند، چند تن از یاران سیدالشهدا که بر اثر جراحات زیاد بیهوش شده بودند و از گزند سپاه عمر سعد در امان ماندند، تعدادی از افراد سپاه عمر سعد و...

اینها کسانی بودند که به ذکر وقایع عاشورا پرداختند و گفتار آنان از راه دست نوشته‌هایشان یا از سینه‌ای به سینه دیگر به ابی‌مخنف، سید ابن طاووس، محمد بن جریر طبری، شیخ مفید، علامه مجلسی و دیگران رسید تا اولین مقاتل معتبر و مکتوب از این طریق به ما برسد.

امام علی بن الحسین علیه السلام و یکایک بانوان حرم حسینی و اسرای باز مانده این کاروان نیز نقش شگرفی در خنثی کردن تلاشهای امویان و بازگو کردن وقایع عاشورا داشتند. این بزرگواران از هر فرصتی برای شرح جزئیات ما وقع این قیام، از نامه‌نگاریها و دعوت کوفیان تا قتل سیدالشهدا علیه السلام و اصحابش و غارت اموال و صدمه خوردن کودکان و اهل حرم استفاده کردند به تبیین مبانی قیام سیدالشهدا علیه السلام پرداختند.

یکی از راویان این واقعه - که شاهد حوادث اسفناک کربلا بود - زینب کبری (س) است. او خود عامل اصلی اقامه عزّا در میان زنان مدینه بود. اما عمر کوتاه بانو و

۱. زنان راوی احادیث.



فشار و خفقان موجود از سوی حکومت بنی‌امیه در این خصوص، ما را از دسترسی به اسرار نهفته در سینه آن بزرگوار محروم کرده؛ به طوری که دستیابی به اخبار عاشورا، منقول از زینب کبری(س) بسیار محدود است.

حدیث طولانی امّ ایمن یکی از احادیثی است که زینب(س) در روز عاشورا برای علی بن الحسین علیه السلام بازگو کرد. این حدیث در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه به طور کامل، نقل شده و طی آن برخی از مصائب خاندان وحی - که جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگفته بود - بیان شده است. (۷: ص ۵۶۶ - ۵۷۱)^۱

کسانی که بانو از آنها روایت کرده است

شاید بتوان گفت به دلیل زمان کوتاه زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و جو حاکم بر شهر مدینه و اوضاع سیاسی زمان، خصوصاً پس از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، زینب کبری(س) از جمله راویان معدود و اندکی است که احادیثی را از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نقل کرده است. از جمله احادیثی که او از مادرش زهرا علیها السلام نقل کرده، خطبه مشهور فدکیه است که در این مجال، اشاره مختصری به سند آن می‌کنیم:

شیخ صدوق (اعلی الله مقامه) در «علل الشرایع» و همچنین من لا یحضره الفقیه «خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را با سه سند مختلف ذکر می‌کند که در هر سه آنها سر سلسله روات، عقیده بنی‌هاشم است. در اینجا به سلسله راویان یکی از این سندها اشاره می‌شود:

حدّثنا محمد بن موسی بن المتوکل، قال حدّثنا علی بن الحسین السعدآبادی،
عن أحمد بن أبي عبد الله البرقی، عن اسماعیل بن مهران، عن أحمد بن محمد بن
جابر، عن زینب بنت علی، قالت، قالت فاطمة فی خطبتها... (۲: ج ۱، ص
۳۳۰؛ ۳: ج ۳، ص ۵۷۶)

۱. گزارشی از این روایت در مقاله دکتر نادر فضلی در همین شماره سفینه آمده است. (ویراستار)



در تأیید نقل شیخ در علل الشرایع، ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتلش این گونه آورده است: «العقیلة هی التي روی ابن عباس، عنها کلام فاطمة فی فدک: عقيله همان است که ابن عباس کلام فاطمه را در مورد فدک از او روایت کرده است. (۸: ص ۹۱) ابن ابی الحدید معتزلی نیز در شرح نهج البلاغه اش (نامه ۴۵) در توضیح این عبارت امیرالمؤمنین علیه السلام: «بلی کانت فی ایدینا فدک» می نویسد:

«قال أبو بکر، حدّثني محمد بن زكرياء، قال حدّثني جعفر بن محمد بن عمارة الكندي، قال حدّثني أبي، عن الحسين بن صالح بن حي، قال حدّثني رجلان من بني هاشم، عن زينب بنت علي بن أبي طالب عليه السلام... (۱: ج ۲۱، ص ۲۱۱)

در هر حال، به گواهی تاریخ و آنچه به دست ما رسیده، زینب کبری (س) یکی از راویان اصلی خطبه غرّای حضرت زهرا علیها السلام در خصوص فدک است. دیگر کسانی که آن حضرت از آنها روایت نقل کرده و در سلسله روایات حدیث کم و بیش به آنها اشاره شده است عبارت‌اند از:

علی بن ابی طالب علیه السلام^۱

حسن بن علی علیه السلام^۲

حسین بن علی علیه السلام^۳

همسران پیامبر صلی الله علیه و آله (۶: ج ۸، ص ۴۶۱)

امّ ایمن (۷: ص ۵۶۷)

امّ هانی^۴

۱. زینب کبری، ص ۵۷.

۲. همان.

۳. همان.

۴. زینب کبری، ص ۵۷.

اسماء بنت عمیس^۱

...و

آنان که از او روایت کرده‌اند

از میان کسانی که از او روایت نقل کرده‌اند، می‌توان به روایات نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام اشاره کرد. (۷: ص ۵۶۷) در اینجا به اختصار، اشاره‌ای می‌کنیم به نام کسانی که به جز امام چهارم، از او نقل حدیث کرده‌اند و تاریخ نام ایشان را ذکر کرده است؛ کسانی همچون:

فاطمه، بنت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام (۱۰: ج ۲۱، ص ۳۴۵)

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب مشهور به ابن عباس (۸: ص ۹۱)

زید بن علی بن حسین^۲

احمد بن محمد بن جابر (۲: ج ۱، ص ۳۲۱ - ۳۲۰)

عطاء بن سائب^۳

محمد بن عمرو^۴

عباد عامری^۵

جابر بن عبدالله انصاری^۶

عبدالله بن جعفر و...^۷

۱. محدثات شیعه، ص ۱۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۳۹.

۳. محدثات شیعه، ص ۱۹۸.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. زینب کبری، ص ۵۷.

برخی از احادیث مروی از علیا مخدره، زینب کبری

همان طور که گفته شد، به دلیل عمر کوتاه بانو، خفقان حکومت بنی امیه، درگیری برادر بزرگوارش با آل امیه و همراه بودن این بزرگوار در اکثر لحظات با برادر، احادیث نقل شده از وی در تاریخ آن چنان که در خور مقام علمی و روایی آن عزیز است، به چشم نمی خورد؛ اما از میان همان تعداد احادیث اندک نقل شده، دُزِر گرانمایی به دست شیعه رسیده که از میان آنها می توان به احادیث زیر اشاره کرد:

۱. حدیث نزول مائده بر مادرش زهرای اطهر ع^۱

۲. حدیث الجار ثم الدار^۲

۳. حدیث مشتمل بر کیفیت دفن پدر بزرگوارش (۷: ص ۵۶۷)

۴. حدیث متضمن بر کیفیت ولادت برادرش امام حسین بن علی ع^۳

۵. حدیث ام ایمن (۷: ص ۵۶۶ - ۵۷۱)

و احادیث دیگر.

در پایان، از باب تیمن، حدیثی مشهور به فاطمیات^۴ از بانو عقیله بنی هاشم (س) تقدیم می کنیم. امید است تمامی شیعیان از گنجینه ارزشمند آل الرسول ع بهره مند گردند.

«... عن فاطمة بنت السجّاد علی بن الحسین ع، عن فاطمة بنت ابي عبد الله

الحسین علیه السلام، عن زینب بنت امیر المؤمنین علی ع، عن فاطمة بنت

رسول الله ع، قالت: ألا من مات علی حُبّ آل محمد ع مات شهيدا.

«... نقل کرد زینب دختر امیرالمؤمنین علی ع از فاطمه بنت رسول خدا ع که

۱. ثاقب فی المناقب، ص ۲۹۶ و ۲۹۵.

۲. زینب کبری، ص ۶۳.

۳. زینب کبری، ص ۶۳.

۴. علت شهرت این حدیث به حدیث فاطمیات این است که تمامی راویان آن به جز دو تن، همگی فاطمه نام دارند.

گفت: بدانید، هر کس بر دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد، شهید است.» (۱۰: ج ۲۱، ص ۳۴۵)

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغه. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. دار احیاء الکتب العربیّه، ۱۹۶۲ م.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. علل الشرایع. مقدّمه: محمد صادق بحر العلوم. قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۵ هـ. ق.
۳. من لا یحضره الفقیه. تصحیح: علی اکبر غفّاری. قم: جامعه مدرّسین.
۴. کمال الدین و تمام النعمه. ترجمه کمره‌ای. تهران: انتشارات اسلامیّه، ۱۳۹۶ هـ. ق.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد جزری. اسد الغابه فی معرفة الصحابه. تحقیق: الشیخ خلیل مامون شیحا. بیروت: دارالمعرفه.
۶. ابن سعد، محمد. الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر، ۱۳۷۷ هـ. ق.
۷. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد. کامل الزیارات. ترجمه امیر وکیلان. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۸. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین. مقاتل الطالبیین. بیروت: دارالمعرفه.
۹. امین، سید محسن. اعیان الشیعه. تحقیق: حسن امین. بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. بحرانی، عبدالله. عوالم للعلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال. قم: مدرسه الامام المهدي، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۱. پیشوایی، مهدی. شام سرزمین خاطره‌ها. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. جزائری، نورالدین. الخصائص الزینیه. محقق: ناصر باقری بیدهندی. قم: مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. صدر حاج سید جوادی، احمد. دائرة المعارف تشیع. تهران: انتشارت شهید محبّی، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. طبرسی. احتجاج.